نگاه تاریخی

محمد بسته‌نگار

حسینیه ارشاد یک نگاه تاریخی

بعد از کودتای ۲۸ مرداد که فضای خفقان جامعه ایران را فراگرفته بود، وعده‌ای ناگهانی در سال ۳۹ برای آزادی انتخابات داده شد و ملیون ایرانی در آن سال‌ها توانستند بر پایه آن به ابراز وجود و فعالیت سیاسی بپردازند؛ همین عامل باعث شد سلسله جلساتی با محوریت اعتراض به فرمایشی بودن انتخابات ابتدا در منزل حاج نوروزعلی لباسچی از بازاریان سرشناس طرفدار دکتر مصدق تشکیل شود که یکی از سخنرانان اصلی این جلسات همواره مهندس مهدی بازرگان بود. پس از منزل ایشـان این جلسـات در مسجد هدایت تداوم پیدا کرد و در همین مسجد بود که آیت‌الله طالقانی انتقادات شدیداللحنی را علیه دولت وقت اقبال مطرح کرد و خواست خود و سایر مبارزین را مبنی بر برقراری یک دولت دموکرات و آزادیخواه اعلام کرد. بعد از چند جلسه دستور رسید این برنامه‌ها باید تعطیل شود و ما هم در همان زمان که پشت درهای بسته مسجد قدم می‌زدیم، دیدیم که فردی یک کاغذ را در جیب ما گذاشت و بلافاصله از محل گریخت. آن روزها که مصادف بود با دهه آخر صفر و سالگرد وفات پیامبر(ص)، ما متوجه شدیم آن کاغذ اطلاعیه‌ای بوده برای شرکت در مراسمی به همین مناسبت. وارد این منزل که در چهارراه لشـگر قرار داشـت، شدیم و دیدیم در یک فضای بزرگ، مراسمی باشکوه ترتیب داده شده است و آیت‌الله طالقانی و شهید مطهری هم از سخنرانان آن مجلس هستند. در طول مدت زمانی که این جلسات در آن محل که در واقع متعلق به مرحوم احمد علی بابایی بود، برگزار می‌شد ایشان عنوان می‌کرد می‌خواهد این جلسات را به طور منظم و سیستماتیک با مضمون سلسله مسائل اجتماعی و شکل حکومت ادامه دهد. همین‌طور هم شد و این سلسله جلسات که به طور ماهانه تشکیل می‌شد، حدود دو سال و چند ماه ادامه پیدا کرد و مخاطبان اصلی آن را هم اعضای انجمن اسـلامی، جوانان نهضت آزادی و طیف ملی- مذهبی تشکیل می‌دادند. جالب است بدانید که امام موسی صدر هم در همین جلسات به عنوان سخنران، مباحث خود را ارائه می‌داد. اما بالاخره در اوایل خردادماه ۴۲ از ساواک دستور رسید این جلسات هر چه سریع‌تر باید تعطیل شود؛ متعاقب آن عده‌ای هم زندانی شدند. به دنبال این واقعه ادامه این جلسات در حسینیه ارشاد که زمین آن از سوی آقایان همایون و میناچی خریداری شده و ساختمان کوچکی در آن ساخته شده بود، ادامه پیدا کرد و شهید مطهری نیز با خوشحالی در ملاقات‌ها به زندانیان می‌گفت ما دنباله آن جلسات را در محله ضرابخانه گرفته‌ایم و به این وسیله به آنها دلگرمی و آرامش می‌داد؛ بعدها هم این ساختمان کوچک به عنوان حسینیه بزرگ ارشاد به مردم معرفی شد و هر روز رونق بیشتری گرفت.

حسـینیه ارشاد از همان سال‌ها مورد استقبال جوانان از طیف‌های مختلف فکری حتی طیف سـکولار قرار گرفت تا اینکه با ورود دکتر شـریعتی به عنوان سخنران اصلی حسینیه ارشـاد حتی حیاط حسـینیه نیز پر از مخاطبانی می‌شد که به حسینیه می‌آمدند؛ بعد هم سخنرانی‌های سیستماتیک شریعتی شروع شد و بعدها بخشی از آن به عنوان سلسله درس‌های اسلام‌شناسـی منتشر هم شد. سـاواک در ابتدا از این ماجرا احساس خطر نمی‌کرد و حتی تلاش کرد با احداث کاخ جوانان درست در مقابل حسینیه ارشاد حداقل جوانان غیرمذهبی را به سمت آن جذب کند که بعدها با اوج گرفتن سخنرانی‌های شریعتی و لو رفتن جریان مجاهدین، ساواک با حسینیه ارشاد به عنوان مکانی که می‌تواند کارهای سیاسی و چریکی را به اوج برساند برخورد کرد تا اینکه جریان انقلاب پیش آمد و پس از فعالیت‌های حسینیه در سال‌های ابتدایی پس از انقلاب، از سال ۶۰ تقریباً فعالیت‌های حسینیه به حالت نیمه‌تعطیل درآمد. مجدداً در سال ۷۳ طی صحبتی که اینجانب با جناب میناچی با هم داشتیم تصمیم گرفتیم مراسم سالگرد آیت‌الله طالقانی را در حسینیه برگزار کنیم و پس از آن هم این جریان ادامه پیدا کرد و حسینیه موفق شد مراسم سالگرد مهندس بازرگان، دکتر شریعتی، آیت‌الله طالقانی و مرحوم سـحابی را همه‌ساله برگزار کند. معتقدم ناصر میناچی با حسن مدیریت خود همواره تلاش کرده است خط دکتر شریعتی را در حسینیه حفظ کرده و به نحوی عمل کند تا به هیچ عنوان حسینیه درگیر با خط دیگری جز خط دکتر شریعتی نشود. تقدیر از ۴۵ سال فعالیت ناصر میناچی در حسینیه ارشاد به باورم کمترین پاداشی است که می‌توان برای میناچی و خدماتش صورت داد. امیدوارم این مهم به زودی محقق شود.

سخن

مهدی غنی

همیشه با ارشاد

از سال ۱۳۴۳ که حسینیه ارشاد تاسیس شد، نام ناصر میناچی با این موسسه چنان عجین شد که پیوندی ناگسستنی را میان این دو رقم زد. او دکترای حقوق از دانشگاه تهران دارد و از همین رو ظرافت‌ها و ظرفیت‌های قانون را خوب می‌داند و با همین دانش و منش توانسته است در عرض این ۴۶ سال با همه فراز و فرودهایی که جامعه ایرانی به خود دیده است این موسسه ارشادی تبلیغی را سرپا نگه دارد. هرچند راز ماندگاری این موسسه بیش از قانون‌دانی و قانونگرایی مدیر آن، به سیاسـتمداری و هوشـیاری او بازمی‌گردد. زمانی که سـاواک دیگر برنامه‌های دکتر شریعتی در حسینیه ارشاد را تحمل نکرد و تصمیم به تعطیلی آن گرفت، این میناچی بود که پیش‌بینی کرد تعطیلی این موسسه منشاء اعتراض و درگیری میان دانشجویان و علاقه‌مندان با ماموران خواهد شد و برای بهانه نداشتن ساواک برنامه‌ای تدارک دید تا در آن زمان او و دکتر شریعتی در تهران نباشند. به همین خاطر برنامه سفری را تدارک دید و همه مدارک سفر را نگه داشت تا اینکه در زمان بازداشت در ساواک ثابت کرد که همراه دکتر در سفر بوده و هیچ دخالتی در تحریک دانشجویان و بالا گرفتن موج اعتراض و درگیری نداشته‌اند. با این همه از سال ۵۱ تا ۵۷ حسینیه تعطیل ماند و تنها پس از پیروزی انقلاب بود که بار دیگر درهای این نهاد فرهنگی دینی گشوده شد. میناچی که زندگی بدون ارشاد مطلوبش نبود، پس از پیروزی به سمت وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی برگزیده شد و مدتی از این طریق پیوند خود را با فرهنگ و ارشاد تداوم بخشید. اما این ارشاد دولتی چندان به او وفا نکرد و با رها کردن آن بار دیگر به مونس دیرینه خود حسینیه ارشاد بازگشت و مدیریت آن را بر عهده گرفت. در تلاطمات و نوسانات پس از انقلاب که اکثر نیروها هر کدام در مرحله‌ای دچار فراز و فرود شدند، او باز هم با درایت و هوشـیاری و دقت توانسـت این نهاد را حفظ کرده و به خدمات فرهنگی دینی خود تداوم بخشـد. میناچی که متولد سـال ۱۳۱۰ است و اکنون ۷۹ سالگی را تجربه می‌کند، از همان دوران جوانی دغدغه‌های ملی و مذهبی را در خود شکوفا کرد و بر آن شد که تا پایان عمر دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی را از دست ندهد. او در دوران ملی شدن صنعت نفت وارد عرصه سیاسی شد و از طریق همکاری با جبهه ملی مسوولیت سیاسی خویش را به انجام رساند. سال ۱۳۴۳ ناصر میناچی در کنار مرحوم محمد همایون و دکتر علی‌آبادی دست به تاسیس حسینیه ارشاد زدند و از همان ابتدا مرحوم استاد مطهری را نیز به عنوان روحانی نواندیش در کنار خود داشـتند. پس از چند سـال که دکتر شریعتی به مناسبت‌هایی در این موسسه سخنرانی کرد امر بر این دایر شد که دکتر به طور فشرده کلاس‌های آموزشی در این مرکز فرهنگی دایرکند که این مهم در سال ۱۳۵۰ به عمل درآمد. این سال‌ها اوج درخشندگی ارشـاد بود و حسـینیه ارشاد بسیاری جوان‌های تحصیلکرده را متحول کرد و به تجدیدنظر و تامل واداشـت. ارشـاد در آن سال‌ها مهم‌ترین مرکز فرهنگی و دینی کشور بود و چون رعدی در آسمان خاموش غرید. گرچه ساواک این روند را برنتابید اما دکتر از طریق این نهاد رسالت خود را انجام داده و اثر خود را گذاشته بود. چراغی که ارشاد روشن کرد دیگر خاموش نشد و در تک‌تک دل‌های دانشجویانش سوسو می‌زد. آنها که دست‌اندرکارند می‌دانند در کشوری که نهادها و تشکل‌ها همواره دچار مرگ زودرس می‌شوند، برای ماندگاری یک نهاد فرهنگی در طول ۴۶ سال چه هنرمندی و هوشیاری به کار رفته است.

میناچی در سـال‌های اخیر دسـت به نگارش خاطرات خود زده و چند دفترچه در این زمینه منتشر کرده است که شرح تحولات و تلاش‌های این نهاد فرهنگی اثرگذار از مهم‌ترین بخش‌های آن است. هم اکنون حسینیه ارشاد تحت مدیریت این حقوقدان سالخورده و فعال علاوه بر فعالیت‌های فرهنگی و دینی، کتابخانه معظمی دارد که به علاقه‌مندان خدمات شایانی ارائه می‌دهد. همچنین برنامه‌هایی برای گسترش و توسعه این نهاد در دست اقدام است که امیدواریم هرچه زودتر به سامان رسد.

ادامه از صفحه ۱۳

حسینیه ارشاد را عشق نگه داشته است و بس

- بزرگ‌ترین دغدغه و نگرانی شما را در حال حاضر چه موضوعی تشکیل می‌دهد؟ آیا نگرانی خاصی برای آینده حسینیه ارشاد دارید؟

من فکر می‌کنم خدا خواست که در این مرحله باشم و عاملی باشم برای تاسیس و ادامه فعالیت‌های حسینیه ارشاد، از همین رو بزرگ‌ترین دغدغه من توسعه حسینیه ارشاد است زیرا ظرفیت کتابخانه ما هم‌اکنون تکمیل شـده اسـت و ما از سه سال پیش کلنگ احداث مجموعه سـاختمان‌های دیگری را در زمین کناری حسینیه به زمین زده‌ایم و به دنبال آن هستیم که علاوه بر توسعه کتابخانه چهار سالن دیگر نیز به مجموعه اضافه کنیم. با اینکه برای اتمام این پروژه حدود ۱۴ میلیارد تومان برآورد هزینه شده است فکر می‌کنم خداوند به هر ترتیب که شده این مبلغ را جور می‌کند و ما موفق می‌شویم در نهایت حسینیه را به بهترین نحو اداره کنیم. در اساسنامه ما این‌گونه معین شده است که هر کدام از اعضای هیات موسس باید برای پس از خود جانشینی را تعیین کند و از آنجایی که فعالیت‌های حسینیه این روزها یک‌تنه به دوش من افتاده است، امیدوارم جانشینان من انسان‌های شایسته‌ای باشند و بتوانند همچون ما که علاقه‌مند و عاشقانه کارهای حسینیه را جلو بردیم از این پس نیز امور حسینیه را رتق و فتق کنند. من معتقدم اینجا را تاکنون عشق نگه داشته است و بس، و اگر عشق نبود محال بود بشود این همه مشکلات و مسائل را تحمل کرد و آخ نگفت. در واقع من با تاسیس حسینیه‌ای به این عظمت که در ایران بی‌نظیر است همواره روزگارم شاد است...

نگاهی به کارنامه و نیم‌قرن خدمات دینی و فرهنگی ناصر میناچی

گچ و خاک کاشت عشق و فکر درو کرد

... با سـردری آبی‌رنگ، دری سـاده و بی‌ریا و خوب به رنگ نیایش، به رنگ آسـمان در چشم اشک‌آلود یک عاشـق، پایه‌هایش را از عقیده ریخته‌اند، دیوارهایش را از اخلاص برآورده‌اند و رنگش را از عمق پاک و زلال آبی آسمان گرفته‌اند، به رنگ نخستین طلوع در نخستین روز آفرینـش؛... این کلمات تعبیری اسـت برای سـاختمانی که نقش قابل توجهی در تاریخ معاصر این سـرزمین داشـته است؛ حسینیه ارشاد. ولی چگونه می‌شـود از حسینیه ارشاد گفت و از بنیادگذار و مدیر آن یاد نکرد؟ سـخن از مردی است که دکتر علی شریعتی او را «برادر» و «امید» خود نامیده و در نامه‌ای که پس از تعطیلی حسـینیه ارشاد در سـال ۱۳۵۱ توسـط حکومت پهلوی، به او و محمد همایون نوشت، آن دو را برخـوردار از این توفیق دانسـت که دربـاره آنها بگوید: «درباره کاری که شما کرده‌اید، کیست که چنین توفیقی داشته باشد که گچ و خاک بکارد و عشق و فکر درو کند؟» او نخستین وزیر ارشاد (اطلاعات و جهانگردی آن زمان) در نخسـتین دولت جمهوری اسـلامی ایران با حکم مرحوم مهندس مهدی بازرگان از دست‌اندرکاران تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، حقوقدان و وکیل دیروز و امروز، مدیر حسینیه ارشاد و بانی کتابخانه فعال و آبرومند آن، یعنی ناصر میناچی اسـت. از دوران کودکـی و نوجوانی ناصر میناچی اطلاعـات زیـادی در اختیار من نیسـت. پس به همین اندازه بسـنده می‌کنـم که او متولد ۱۳۱۰ تهران و تحصیلکرده رشـته حقوق اسـت. عصـر جوانی و تحصیلش مقارن با جریانات ملی شـدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲و وقایع پس از آن بود و به لحاظ احساسـات پاک و وطن‌دوسـتانه نمی‌توانست از کنار این مسائل بگذرد و فقط در اندیشه خویش و خانواده باشد، و لذا به جبهه ملی پیوست.

عکس: میلاد پیامی

ابراهیم عبدالله‌زاده
Abdollah59@yahoo.com

بنیانگذاری حسینیه ارشاد

تاثیرگذاری ناصر میناچی در تاریخ معاصر ایران با مشـارکت او در بنیانگذاری حسینیه ارشاد نقشی پررنگ به خود می‌گیرد. میناچی در پیشگفتار کتابی که به اسم «تاریخچه حسینیه ارشاد» شامل مجموعه مصاحبه‌هـا، دفاعیات و خاطرات خود نگاشـته، در این باره می‌گوید: «اگر حمل بر خودسـتایی نشود، در پایه‌گذاری این موسسـه بعـد از لطف و عنایت خداونـدی، دو عامل موثر و از خود گذشـته به این صحنه کشانده شدند و آنچه در توان داشتند در طبق اخلاص قرار دادند تا خانه‌ای برای خدا و سراپرده‌ای برای سیدالشـهدا و معلم بزرگ شهادت حسین‌بن علی(ع) فراهم سازند... این دو فرد و دو برادر دینی عبـارت بودند از پیرمـرد عارف و مخلصـی به نام «محمد همایون» و خدمتگزار صدیق و دلسوخته‌ای به اسم «ناصر میناچی» که دست تقدیر این دو یار و خدمتگزار حسـین(ع) را به یکدیگر نزدیک و در راه رضای پروردگار به کسـب چنین توفیق بزرگی نائل ساخت.»حسینیه ارشـاد در تاریخ ۲۴ دی‌ماه ۱۳۴۶ بـه شـماره ۹۳۳ در اداره ثبت شـرکت‌ها و دایره موسسـات غیرانتفاعی توسط محمد همایون، عبدالحسن علی‌آبادی و ناصر میناچی‌مقدم در تهران، جاده قدیم شمیران (خیابان دکتر شریعتی فعلی)، ایسـتگاه چالهرز به ثبت رسید هرچند فعالیت‌های فرهنگی، مذهبی و ترویجی حسینیه پیش از آن در سـال ۱۳۴۳ با دایر کردن محلی موقت در خیابان چالهـرز (قبای فعلی) آغاز شـده بود. اعضای اصلی هیات‌مدیره حسینیه را محمد همایون، استاد مرتضی مطهری و ناصر میناچی و اعضای علی‌البدل آن را نیز استاد محمدتقی جعفری و حجت‌الاسلام سیدعلی شاهچراغی تشکیل می‌دادند.

اولین سـخنرانان برنامه‌های حسـینیه در آغاز راه‌اندازی، استاد مرتضی مطهری، استاد محمدتقی شریعتی، علامه محمدتقی جعفری و حجت‌الاسلام شاهچراغی بودند. نیت موسسان که بیش از سه نفر نبودند، در ابتدا ترویج اسلام واقعی که از خرافات و ظاهرپرستی عاری باشد و همچنین حرکت جدید و نوگرایانه دینی بود که با ادامه و گسترش فعالیت‌های حسینیه و همچنین حضور دکتر علی شریعتی، این مساله بیشتر حسینیه ارشاد را تبدیل به نمادی برای حرکت و جنبش نوگرایی و روشنفکری دینی کرد.

هر چند در ابتدا موسسان حسینیه ارشاد قصدی بر دخالت در مسـائل سیاسی روز نداشتند، اما این را هم از نظر دور نداشـتند تا خط‌کشـی مشخصی را بـا دسـتگاه حاکم از یک سـو، فضای سـنتی و عوام‌گرا از سـوی دیگر حفظ کنند. اما حضور دکتر علی شـریعتی در حسینیه ارشاد در مدت نه‌چندان طولانی، هویتی دیگرگونه به حسینیه ارشاد بخشید که به طور کلی با آنچه در ابتدا حسینیه ارشاد بود، در تفاوت قرار گرفت. البته چگونگی ورود شـریعتی به حسینیه ارشاد خود داستان دیگری دارد که طرح دیدگاه‌هایش موجبات توجه و تحسین استاد مطهری و استاد محمدتقی جعفری را برانگیخت.

فرجام حسینیه ارشاد در حکومت پهلوی

میناچی آغاز پیگیری برخورد با حسینیه ارشاد در حکومت پهلوی را به نقل از خاطرات اسدالله علم این‌گونه روایت می‌کند: «در کتاب «خاطرات علم» هست که شاه و مقامات گاهی شب‌ها در شهر گردش می‌کردند. یک شـبی که شاه گردش شبانه در شهر داشـته، اتفاقی ساعت دو و نیم بعد از نصف شب از جلوی حسینیه رد می‌شود. جلسه‌های دکتر از سه بعدازظهر شروع می‌شد و نیمه‌شب که تمام می‌شد، سـه چهار هزار تا دانشجو، دختر و پسر می‌ریختند توی خیابان که بروند خانه‌هایشـان. در همان موقع شاه متوجه این جمعیت کثیر می‌شود. به فردوست دستور می‌دهد بروید پیگیری کنید این همه جوان نیمه‌شـب تا ایـن موقع تو این سـاختمان چه کار می‌کنند. از آنجا پیگیری مسـاله حسـینیه شروع می‌شـود.» البته گویـا عوامل دیگری هـم در این ماجـرا دخیل بوده‌اند. وی می‌گوید: «از طرف دیگر هم شاه می‌رود شیراز. در شاهچراغ یک روحانی به نام ابن‌یوسـف کتاب «تشیع علوی و تشیع صفوی» را می‌دهد دست شاه و می‌گوید اعلیحضرت! ببینید این به سیسـتم شاهنشاهی و سلطنت اهانت کرده است. شریعتی به شـاه‌های صفوی بد و بیراه گفته بود، این می‌آید می‌گوید این اساس و بنیان سلطنت و شاهنشـاهی را می‌خواهـد برچیند. غیر از آن هم آقایان دیگری همین کتاب را برای شاه می‌فرستند، که سـندش هم موجود اسـت. شاه اینها را می‌بیند و از طرفـی هم بـا اطلاعاتی که شـهربانی می‌داد و نامه‌های سـاواک، سـابقه ذهنی هم داشـت.» از جزییات دیگر این ماجرا می‌گذریم. سـرانجام پس از کش و قوس‌های فراوان، حسـینیه ارشاد در روز جمعه ۲۶ آبان ۵۱ بسـته می‌شود و تعدادی که بنا به گزارش ساواک ۳۰۰ تن بوده‌اند، با مراجعه برای برنامه‌هـای هفتگـی و مواجهه با درهای بسـته به تجمـع و به درگیری با پلیـس می‌پردازند و پلیس ۱۵ مرد و یک زن را دسـتگیر و به کمیته مشترک ضدخرابکاری اعزام می‌کند.

برخورد با مدیران حسینیه ارشاد

پیش از بستن حسینیه ارشاد مدیریت حسینیه از ماجرا باخبر می‌شود و ناصر میناچی و شریعتی و پدرش و صدر بلاغی با پیش‌بینی واکنش دانشجویان، تصمیم به خروج از تهران و رفتن به شمال می‌گیرند تا خـود را از اتهام تحریک مردم مبرا کنند. پس از بستن حسینیه، محمد همایون عضو هیات موسس و مرتضـی مطهری از سـخنرانان اولیه حسـینیه، دسـتگیر می‌شـوند و همچنین با مراجعه به خانه میناچـی او را نمی‌یابند. مطهری با تذکر اینکه او از ابتدای سـال ۵۰ با حسینیه قطع رابطه کرده است، آزاد می‌شود. میناچی پس از رسیدن به تهران خود را به اداره شهربانی معرفی می‌کند و شریعتی نیز به خانه پسـرعموی خود می‌رود و به مدت حدود یک سال زندگی مخفی خود را آغاز می‌کند.

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

از دیگـر فعالیت‌هـای سیاسـی- حقوقی ناصر میناچـی در دوران رژیـم پهلوی، مشـارکت او در تاسیس جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در سال ۱۳۵۶ است. «در سال ۱۳۵۵ نامه سرگشاده علی‌اصغر حاج‌سـیدجوادی به نصـرت‌الله معینیان رئیس دفتر شاه منتشر شد. این نامه ادعانامه مفصلی بود درباره کارنامه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نظام شاهنشاهی و شکست‌های پی در پی آن سیاست‌ها و به صراحت گفته بود که صدای شکستن پایه‌های آن نظام به گوش می‌رسد. معروف است که این نامه در محافل سیاسی و اجتماعی مثل بمب ترکید. صدها نسـخه از آن تکثیر شـد در دادگستری بین وکلا و قضات دسـت به دست می‌گشت. صرف‌نظر از مفاد نامه سرگشـاده که فریاد تحسین همگان و از جمله دکتر علی شریعتی را که از زندان وحشتناک کمیته ضدخرابکاری، فرسوده و درهم شکسته رهایی یافته بود، بلند کرد و همه جرات و شـهامت حاج سـید جوادی را تحسـین می‌کردند، اثر روانی انتشار نامه در جامعـه خاموش و خفقـان گرفته آن روز مهم‌تر بـود.» میناچی با یادآوری خاطره‌ای از امام خمینی دربـاره این نامه می‌گوید: «امـام به عمل افراد کار داشتند و خود اشخاص برای ایشان مهم نبود. حتی وقتـی فردی مثل علی‌اصغر حاج‌سـیدجوادی نامه معروف انتقادآمیز به شـاه نوشـت، از امام شـنیدم که می‌گفت: از این شـخص یاد بگیرید که در زمان حکومت ظالم پهلوی، رشیدانه علیه شاه می‌نویسد.»

نکته

هر چند در ابتدا موسسان حسینیه ارشاد قصدی بر دخالت در مسائل سیاسی روز نداشتند، اما این را هم از نظر دور نداشتند تا خط‌کشی مشخصی را با دستگاه حاکم از یک سو، فضای سنتی و عوام‌گرا از سوی دیگر حفظ کند. اما حضور دکتر علی شریعتی در حسینیه ارشاد در مدت نه‌چندان طولانی، هویتی دیگرگونه به حسینیه ارشاد بخشید که به طور کلی با آنچه در ابتدا حسینیه ارشاد بود، در تفاوت قرار گرفت. البته چگونگی ورود شریعتی به حسینیه ارشاد خود داستان دیگری دارد که طرح دیدگاه‌هایش موجبات توجه و تحسین استاد مطهری و استاد محمدتقی جعفری را برانگیخت.

از ایـن رو سـال ۵۶ با انتشـار بیانیه‌هـا، نامه‌های سرگشـاده و دوران مطبوعات زیراکسی شروع شد. از جمله انتشار بیانیه معروف به «۵۸ نفری» که در آبان ۱۳۵۶ انتشـار یافت. مقارن با آن بیانیه، بیانیه دیگری به امضای ۵۶ وکیل دادگسـتری که هسته مرکزی آن را همان وکلای پیشرو تشکیل می‌دادند، انتشار یافت که ضمن اشاره به تعطیل قانون اساسی و تحدید صلاحیت دادگاه‌های دادگسـتری، همان درخواسـت‌های سـنتی در چارچوب اجرای قانون اساسـی، اعاده صلاحیت عام و استقلال قوه قضائیه و لغو دادگاه‌های اختصاصی مطرح شده بود.

تاریخ انتشـار بیانیه یا نامه سرگشـاده، ۱۶ آذر ۱۳۵۶ بود که این تاریخ هم تصادفی انتخاب نشـده بود. هم یادآور ۱۶ آذر ۱۳۳۲ بود و شهادت سه آذر اهورایی در دانشگاه تهران توسط نظامیان شاه و هم مقارن بود با هفت دسامبر و سه روز قبل از سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر.

نامه سرگشـاده همچون بیانیه ۵۸ نفری و دیگر نوشـته‌ها و اعلامیه در صدها نسـخه تکثیر شـد و به طور وسـیعی پخش شـد. در اساسـنامه تنظیم شـده برای امضاکنندگان این نامه، اسـم جمعیت را «جمعیـت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشـر» گذاشـتند و در کنفرانس مطبوعاتی‌ای که روز ۲۲ دی ۵۶ در خانه دکتر سـنجابی برگزار شـد، هیات اجرایـی موقت ایـن جمعیت متشـکل از مهندس مهـدی بـازرگان، دکتـر کریـم سـنجابی، احمد صدرحاج‌سـیدجوادی، علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی، ناصر میناچی و تعداد دیگری از وکلای دادگستری معرفی شدند.

در انتخابـات هیات اجرایـی این جمعیت، ناصر میناچی به عنوان خزانه‌دار جمعیت انتخاب شد.

نگارش قانون اساسی برای نظام تازه‌تاسیس

از دیگر فعالیت‌های قابـل توجه ناصر میناچی، مشـارکت او در تدوین نخستین پیش‌نویس قانون اساسـی برای نظام تازه‌تاسـیس جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ بود. زمانی که امام خمینی در پاریس اقامت داشتند، دکتر حسن حبیبی را مامور تهیه پیش‌نویس قانون اساسی کردند. حسن حبیبی نیـز با مشـورت و همکاری آقایان ناصـر کاتوزیان، جعفری‌لنگـرودی و ناصر میناچی طرح اولیه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را تهیه کردند. پس از پیـروزی انقلاب، این طرح در شـورای طرح‌های انقلاب به ریاسـت دکتر یدالله سحابی و با مشارکت و همکاری حسن حبیبی، ناصر کاتوزیان، احمدصدر حاج‌سـیدجوادی، ناصـر میناچی، رضـا زواره‌ای و سـیدمحمد خامنه‌ای، اصلاح و تکمیل شد و سپس در شورای انقلاب مطرح شد و با تغییراتی به تصویب این شورا رسـید. این طرح برای بنیانگذار انقلاب و مراجع تقلید قم هم ارسال شد تا نظر آنان نیز تامین شود. با پیشنهاد مرحوم آیت‌الله طالقانی برای تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی، پیش‌نویس یادشده در این مجلس به بحث و بررسی گذاشته شد.

میناچی در کسوت یک دولتمرد

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، میناچی با حکم مهندس مهدی بازرگان به عنوان نخستین وزیر اطلاعات و جهانگردی (فرهنگ و ارشاد اسلامی فعلی) در نخستین دولت جمهوری اسـلامی ایران یعنی دولت موقت معرفی می‌شـود: «معرف بنده در کابینه بازرگان، اسـتاد مطهری بود کـه با موافقـت امام، به عنوان وزیر ارشـاد انتخاب شـدم. رابطه من با استاد، به‌رغم اختلاف سلیقه‌ها، صمیمانه بود.»

او در این دولت سرپرستی سازمان اوقاف و امور خیریـه را هم بر عهده داشـت؛ دولتی کـه با بروز برخی اختلاف سـلیقه‌ها، پـس از ۹ ماه فعالیت در آبان‌ماه ۱۳۵۸ کناره‌گیـری کرد. اما میناچی ماند: «با استعفای دولت موقت، من با مخالفت با این کار، معتقد بودم که الان وقت رفتن نیست و باید ماند و خدمت کرد، فلذا در دولت شورای انقلاب هم بودم و در اواخر سال ۵۹ قصد کناره‌گیری داشتم که مرحوم حاج‌احمدآقا به مـن گفتند امام می‌خواهد تا اتمام مراسـم حج در وزارت ارشاد باقی بمانم و در دولت مرحوم رجایی هم به ایشـان گفتم که با ماندن من در ارشـاد، اداره حسینیه با مشکل روبه‌رو می‌شود، فلذا ایشان هم با استعفای من موافقت کردند.»

کتابخانه حسینیه ارشاد از آغاز تا امروز

یکی از چشـمگیرترین بخش‌های فعالیت ناصر میناچـی در سـال‌های اخیـر، علاوه بـر مدیریت حسـینیه ارشـاد، بنیادگذاری و راهبری کتابخانه فعـال آن اسـت. در وب‌سـایت ایـن کتابخانـه آمده اسـت: «کتابخانه عمومی حسـینیه ارشـاد در هفتـم تیرمـاه ۱۳۵۹ خورشـیدی برابـر بـا پانزدهـم شـعبان‌المعظم ۱۴۰۰ قمری همزمان با خجسته میلاد مسعود حضرت مهدی(عج) آغاز به کار کرد تا یادبودی برای دوران باشـکوه و پرفیض حسینیه و اجر و ثوابی همیشگی برای بنیانگذاران آن به ویژه دکتر علی شریعتی و خانه امیدی برای نسـل جوان کشور باشد. دکتر علی شریعتی حدود ۱۰ سال از عمر خود و سخنرانی‌ها و فعالیت‌هایش را در ایـن مـکان به انجـام رسـاند و چنانچه در وصیتنامه‌اش نگاشـته بود، همیشـه آرزو داشـت کتابخانـه‌ای عمومی در حسـینیه ارشـاد موجود باشد تا مخاطبان او و علاقه‌مندان به تفکر و اندیشه بتواننـد از کتاب‌هایش اسـتفاده کننـد. کتابخانه عمومی حسـینیه ارشـاد که به صورت غیرانتفاعی و تحت نظارت بخش خصوصی اداره می‌شـود، در ابتدای تاسیس، کار خود را در ۴۵۰ متر مربع شروع نموده و پس از گذر سال‌ها، این متراژ به ۱۷۷۰ متر افزایش یافته است.»

هم‌اکنون در مخزن کتابخانه حسینیه ارشاد، بالغ بر ۱۳۰ هزار نسخه کتاب نگهداری می‌شود که گویا با برنامه‌ای که برای احداث ساختمان جدید کتابخانه پیش‌بینی شده، این رقم به ۳۰۰ هزار نسخه خواهد رسـید. مهرناز خراسـانچی مدیر کتابخانه حسینیه ارشاد در این باره می‌گوید: ساختمان جدید کتابخانه حسینیه ارشاد ۷۰ درصد پیشرفت فیزیکی را پشت سـر گذاشته و تا پایان سـال آینده افتتاح می‌شود. این کتابخانه در هفت طبقه ۱۲ هزار متر مربع زیربنا دارد و در زمینی به مسـاحت دو هزار متر مربع در حال ساخت است. در کتابخانه جدید، تمام تاسیسات اداری، بخش نشـریه‌ها، مرجـع، بخش‌های فنی و بخش کودکان و نوجوانان، نابینایان و ناشـنوایان به صورت مجزا در نظر گرفته شده است. هزینه ساخت این کتابخانه یکصد میلیارد ریال اسـت و در زمین شـخصی دکتر ناصر میناچی ساخته می‌شود. دکتر میناچی تمام دارایی خود را وقف این سـخن دکتر علی شـریعتی کرد که «خوب است حسینیه ارشاد کتابخانه و مرکز اسناد برای جوانان داشته باشد.»

این کتابخانه با دارا بودن بیش از ۳۱ هزار عضو، یکی از فعال‌ترین کتابخانه‌های عمومی تهران است. در وب‌سـایت این کتابخانه، به اطلاعات جالبی در مـورد بخش‌هـای آن برمی‌خوریم. از جمله بخش کـودکان و نوجوانان و بخش نابینایان: «در بخش کـودکان و نوجوانان کتابخانه حسـینیه ارشـاد، حـدود ۲۰ هـزار جلد کتـاب کـودک و نوجوان برای اسـتفاده آنان موجود است. تا چند ماه پیش کودکان نمی‌توانستند عضو کتابخانه شوند اما حالا با صدور کارت‌هایی با رنگ متفاوت امکان انتخاب منابع و امانت بردن آنها به صورت مستقل برایشان فراهم شده است...مجموعه کامل کتاب‌های دکتر علی شـریعتی به همراه آثار شهید مطهری و دکتر کاتوزیـان در قسـمت مرجع کتابخانـه نگهداری می‌شـود. در قسـمت نشـریات نیز بیش از ۶۵۰ عنوان نشـریه روز موجود اسـت. سعی بر آن بوده تا با جمع‌آوری نشریات قابل ارزش و آرشیو نمودن آنهـا، امکان دسترسـی به منابع ارزشـمند برای مراجعـان فراهم گردد، که تاریخ قدیمی‌ترین آنها مربوط به سـال ۱۲۹۸ شمسی است. یکی دیگر از ویژگی‌های کتابخانه حسینیه ارشاد بخش نابینایان اسـت. کتاب‌های این بخش در دو قسمت خلاصه شـده است: نخست قسـمتی به نام کتاب گویا که شـامل کاسـت‌هایی هسـتند که یک کتاب در آنها خوانده و ضبط شـده است که به طور متوسط هر کتاب تبدیل به ۱۰ کاسـت می‌شود. قسمت دوم نیز کتاب‌هایی با خط بریل است که در حال حاضر ۳۲۵ عنوان کتاب گویا و ۱۶۰ عنوان کتاب بریل در این کتابخانه موجود است. نابینایان سراسر کشور می‌تواننـد به طـور رایگان در کتابخانه حسـینیه ارشاد عضو شوند، برای نابینایانی که در شهرستان زندگـی می‌کنند نیز منابع از طریق پسـت بدون پرداخت هزینه ارسـال و دریافت می‌شـود. تعداد زیادی سـی‌دی آموزشـی و علمی و سی‌دی‌های مرجع نیـز در کتابخانه موجود اسـت که همانند کتاب به اعضا امانت داده می‌شود.»

***در تدوین این نوشـتار، از کتاب تاریخچه حسـینیه ارشـاد بـه قلـم ناصـر میناچی از انتشـارات حسینیه ارشاد (۱۳۸۴)، وب‌سایت کتابخانه حسـینیه ارشـاد و نیز گفت‌وگوهای ناصر میناچی با برخی از سـایت‌های اینترنتی و روزنامه «اعتماد» (۲ آذرماه ۱۳۸۸) استفاده شده است.**

بزرگداشت

در ستایش ترویج دین اخلاقی

دکتر